

جبهه ملی ایران

شماره (۹۱) چهارشنبه بیست و پنجم
پهن ماه ۱۳۵۷

سازمان انقلاب

مشقت مردم پریشانی ستندگی

یک حرکت انقلابی اصیل، یک پیروزی انقلابی راستین
بیار آورده است، این پیروزی بازده طبیعی آن
اصالت است و آن اصالت مایه گرفته از شیاهای ملتی
پویانده .

از کاشت دانه های انقلابی برچیدن محصول انقلاب :
دانه های خوب ، شخم خوب ، محصول خوب ، این راهی است
که بی شک گرفته ایم و اینک ، محصول ، یاد ستاورده
انقلاب در دست های ماست در خانه های ما و در انبارگما
ما ، تنها کار برد درست این محصول است که به انقلاب
کمال می بخشد و شاید ، حتی ، معنا و بعد تاریخی .

اکنون ، سخن از پختن است و به کار بردن ، سخن از ترکیب آن
متناسب دانه ها است و نظارت دقیق و مملو از شکلیابی ،
و پیش از این ، سخن از تقسیم عادلانه ی خوراکی است که
دسترنج دهقان انقلاب است دسترنج مردم هستی با خته ی
کوچه و بازار .

سخن از این است به دقت - که آنچه با این همه درد
ورنج و این همه اراده ی طغیان کننده و بازوی کار انقلاب
به دست آمده در دیک تاریخ نسوزد ، متعفن نشود ،
از میان نرود و باز به چیزی که باید به زباله دانسی
تاریخ ریخته شود ، تبدیل نگردد .

جهت نیرویی که در پاره کردن زنجیرهای اسارت به کار
می رود ، با جهت نیرویی که می خواهد دوبخش تاریخی حیات " جان باختن " را
یک ملت را به هم پیوند دهد ، یکی نیست بی پرده بگوییم توانست یا دیگر که چگونه " بمیرد " بخوبی میدانند
متفاد است .

اگر در گذشته ، به شوریدگی انقلابی ، جوش عینی و تاختمی پیش از بیست و پنج سال پیش سردمداران استبداد
درهم کوبنده نیاز بود ، از این پس ، نیازها شکل و
ماهیتی دیگر خواهد داشت یعنی باید داشته باشد .

ویران کردن چیزی که با یادی ویران شود یک مساله است و
ساختن چیزی که باید ساخته شود ، مساله ی دیگری ،
نویزه وقتی بدانیم که نمی خواهیم ، حتی از مصالح
بنای مخروب ، در ساخت بنای نو استفاده کنیم .
برای خراب کردن ، اگر کلنگ و ... بقیه در صفحه ۲
- را از این سرزمین خدایی ... بقیه در صفحه ۴

وجدان انقلابی ، آباد کردن و فرمان میدهد

از آاده‌ی چشمگین فروریزنده به کامی آید، برای ما ختن
شوان محاسبه‌ی ریاضی، مصالحی به دقت انتخاب شده
و اراده‌ی آرام و درونی لازم است تا بنای نونه تنه‌ها
اعتبار آن فروربختن دلیرانه را از میان نبرد، بلکه
به خلق ارزش‌های نونیزبپردازد.

سخن از سفاوت ضرورت هاست در بعد زمان .
بدون تردید، ملت نباید خصلت انقلابی خود را از دست
بدهد: خصلت تمرد از ناحق، مقاومت در برابر ظلم و
سربلندی از شرایط مستبدانه و بناییداین با ویرا در درون
خود بپروورد که از پی‌مغری دشوار به قله‌ی که می‌خواست
رسیده است و حال زمان استراحت است و عکس انداختن و
مدال‌های افتخار را بر سینه کوبیدن و فخر فروختن، که
رشدچنین باوری، درماندگی و سقوط با خود می‌آورد، اما
این نیز واقعیست ست که نیرو، قابلیت کار برده‌های
گاملا" متغیاتی دارد و حال، نیروی انقلابی مردم‌باید
که شکل تازه‌ی از مصرف تولید پیدا کند که مطلقاً "بسه
گذشته شبیه نباشد.

پس، به هیچ وجه، یحیی از فروکش نیروی انقلاب فریاد
نبردی گورگوران و عقب نشینی به مواضع قبل از انقلاب
نباید در میان باشد و حرفی از اینکه با دیگر کاسب به
کسب فقیرانه اش خواهد پرداخت و کارگروکار مندیبه‌کار
نیرو سوزو کم بازده اش، استاد به تدریس همان درسه‌های
قدیمی اش و شاگرد به یادگیری همان علوم دست‌پخت
استعمار، اما در عین حال، باید که هر چه سریع تر و
بدون لحظه‌ی درنگ به پایان فصل اول کتاب انقلاب
برسیم و این فصل هر هیجان را - ضمن اینکه به درستی
به خاطر می‌سپارم - رها کنیم و به فصل نوبپردازیم.
فصل قدیم، اگر رها کردن نیرو بود، فصل نو، مه‌ساز
کردن نیروست و به کار انداختنش در جهت آیدگسری،
دادگستری، و خودکفایی کامل.

خطرناک ترین مساله برای ما، توقف در میان دو فصل
انقلاب است. توقف در سفیدی و بی‌مطلبی و پوچی،
توقف در جایی که بهترین فرصت را به نیروی ضعیف
انقلاب می‌دهد تا تمام کتاب را بسوزاند و نابود کند.
از این سکون بنیادین که ظاهر فریبنده و پیرسوز و
مدایی دارد و لذت‌ذهنی بردن از امری وقوع یافته و
خاتمه پذیرفته و در خلسه‌ی کاذب پیروزی فرورفتن،
خود را دور و دورتر کنیم، جذبه‌ی این فرورفتن، سم مهلکی
است برای نیروی انقلاب این چاهیست که اگر در آن
فروافتیم، هیچ طنابی، قدرت بیرون کشیدن ما را
از آن نخواهد داشت.

انقلاب با وی نیست و شهادت، کالای ارزانی نیست
که بتوان بازش خرید، مادران و پدران و پدرانی را به خاطر
بیاوریم که حتی گور فرزندان شهیدشان را هرگز پسیدا
نخواهند کرد تا بر آن دسته‌گلی بگذارند.

دست کم، به خاطر آزارش خاطر با زماندگان شهیدان راه
انقلاب از دیروز که روز نبردهای خیابانی و شکستن و
سوختن و کشتن و کشته‌شدن بود جدا شویم و به امروز انقلاب
که طالب قدرت‌های پی ریزنده و سازنده است وارد شویم.
دیروز، درهم کوفتن، یک افتخار بود، امروز خصلت
انداختن بر دیوار هم صدمه زدن به اموال یک ملت
فقیر است گمان نبریم که کوششی عظیم و آرام برای خنوع
سازی جامعه به معنای پایان گرفتن انقلاب است و
با دیگر در حسرت روزهای خون و آتش ماندن، جشن
انقلاب را نه بر تنگی از خرابه‌ها بلکه در اهرانی آباد
و آ زاد بر پا کنیم. به خاطر بیاوریم که دیروز، جنگی
بود پیرشکوه و اعجاب انگیز و امروز ترقه‌بازی کودکانه -
ینی ست که ما را در معرض اتهام نداشتن شعور و فرهنگ
انقلابی قرار می‌دهد. راه را بر این بازی کودکانه

ببندیم تا کیفیت انقلاب، مخدوش نشود.
انقلاب خمیرمایه‌ی زندگی یک ملت است
اگر دیر بچنینیم، نان انقلاب در تنور تاریخ خواهد سوخت
گفتیم که وظیفه‌ی کارگروکار رمنده و معلم و شاگرد،
در پایان نخستین مرحله‌ی انقلاب این نخواهد بود که به
مواضع قدیمی خود بیا زگردند و به نوعی از ارتجاع، تن
بسپارند. به خیال آنکه آزادی و استقلال، دو عامل
کفایت‌کننده است و درینا، این دو عامل می‌توان
سعادت‌مندانه زیست و سر بلندانه به خاک سپرده شد.

همچنین گفتیم که معنای بازنگشتن به مواضع قبلی
توقف و درجا زدن در لحظه‌ی فعلی نیست. این توقفت
و نظاره کردن و شادمانه برای خود کف زدن، به مراتب
خطرناک تر از بازگشت خواهد بود.

این درست است که کاسبه نباید از این پس، فروشنده‌ی
بنجل‌های غرب و خاوردور باشد و ارائه دهنده‌ی کالاهای
تقلبی و فاسد، اما این هم درست نیست که کاسبه
بهت زده در انتظار ظهور معجزه‌ی بنشیند که انقلاب
به مردم پیشکش خواهد کرد.

انقلاب، معجزه‌اش ایجاد اراده‌ی انتخاب است و ایجاد
شرایط مناسب برای انتخاب‌کننده‌ی گمشودن در گنجی
بی‌پایان که همه بتوانند مشت مشت از آن بردارند
از آن پس در رفاه و آسایش غوطه بخورند.

این درست است که معلم و شاگرد نباید از این پس تن

به‌سازاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور بپردازیم

به آن دادوستد خالی از کیفیت آموزشی و پرورشی بدهند و نباید با ردیگر خود را در چهار ردیواری های محسوس کنند که روان کودکان ما را قتل عام می کنند، اما متقابلاً، خردسالان مبارز ما نیز دیگر نباید لحظه ای از وقت خود را که وقت همه ی ملت است در خیابان ها و کوچه های انقلاب تباه کنند و دانش ما سرور خاطرات پرشور فصل اول کتاب انقلاب، از خوانندگی فصل دوم باز ایستند.

این برعهده ی پدران و مادران انقلابیست که به فرزندان خود نشان بدهند که فصل ساختن و آباد کردن، به مراتب شیرین تر از فصل فریاد کشیدن و کوبیدن است مگر آنکه واقعاً "نیازی به فریاد کشیدن و درهم کوبیدن، اجنبی شود. این درست و بسیار درست است که کارگران و وطنه که بیشترین سهم مگذار را به خاطر پیروزی انقلاب کرده اند و سرسخت ترین سربازان انقلاب بوده اند از این پس هرگز نباید به بردگی استعمار و استثمار رسیده بسیارند و شرایط نامطلوب کار و عدم تاءمین اجتماعی و سنگینی بار مالیات را بپذیرند، اما این سرپیچی کا ملا" منطقی و منصفانه، نباید این توهم را ایجاد کند که بدون مشارکت سازنده در جزء جزء مراحل انقلاب و بدون به کارگیری تمام نیروها در جهت تولید سالم و سود مند ملی، می توان به آسایش مطلوب دست یافت و ضمناً آزادی و استقلال را پاسداری کرد. کارخانه ها و کارگاه ها، در انتظار دستهای نیرومند کارگران، روبه فرگ و انهدام نهاده اند، دستهایی که این بار باید به راستی برای صاحبان واقعی خود کنار بیایند، برای حکومت و ملت خود، نه برای سرمایه - دارانی که کاری جز استثمار کارگران و غارت مردم نداشته اند.

از این پس، بسته نگه داشتن مراکز تولید، یک پیروزی انقلابی نیست، بلکه محصول ملی به بازار ملی فرستادن ادامه ی واقعی راه انقلاب است.

و مهم تر از همه ی اینها، جوانان غیور و دلور متن انقلاب هستند که مسلماً به همه ی گروه های اجتماعی تعلق دارند و فردا، همه ی ایشان باید از فرهنگ و دانش و آسایش و محیط زیستی برابر برخوردار باشند، و این برابری به دست نمی آید مگر به کوشش گسترده ی همین جوانان انقلابی که باید دست های شان را در دستهای هم گره کنند و به نجات وطن برخیزند. بدن این جوانها گرم است و در آنها خون زنده ی انقلاب جاریست. این بدن ها باید گرم بماند و این سرزمین منهدم را گرم نگه دارد. امروز دیگردد

سنگرهای بی مشتری نشستن و از فتح بزرگ، سخن گفتن هیچ تنی را گرم نمی کند، بلکه فقط سرجوانان را گرم می کند و این البته درست نیست. حال دیگر، هر بیلی که به زمین فرو برود، طنبن تاریخی اش هزار بار بیشتر از تیریست که در هوا خالی شود. اینک یک گلدان گل را پروردن، شکوهش هزار بار بیشتر از خاطرهای شکستن درختان میهن به خاطر سنگربندی شجاعانه در برابر ارتش به جهالت فرورفته به دست بیگانه است.

روزی برای شکستن و روزهای حساسی برای کاشتن و بار آوردن. باز هم در اینجا اضافه کنیم که همه ی جوانان ما قطعاً لازم است که آموزش انقلابی ببینند، تسبیح انداختن و سنگر ساختن و مبارزه ی دلیرانه را فرا بگیرند و هشیاری کاملی برای مقابله با دشمن کمین کرده به دست آورند، اما این کارها، تنها زمانی مقدور است و سودمند که چرخ های مملکت در حال چرخیدن است و سریع باشد در توفعی دردناک.

آسمان را نشانه کردن و ماشه را کشیدن و با تفنگ و مسلسل بازی کردن، هیچ چیز را تاب نمی کند و هیچ چیزی را تغییر نمی دهد. چریک های جانبا ز وطن در چنین شرایطی چریک نشدند و جان در راه مردم نیاختند. در آن شرایط جنگیدن، خبر از دلآوری و بیباکی می داد و در این شرایط، آباد کردن، خبر از وجدان انقلابی می دهد.

جوانان ما، ارتش استبداد را شجاعانه در هم کوبیدند و رفتاری یکی از نامتساوی ترین جنگهای عصر حاضر شدند، تمام کوچه ها و محله های شهرها را از وجود دشمن پاک کردند، به سربازان و افسران خوب وطن، آن مقدار هشیاری ملی دادند که به سوی ملت بیایند و در کنار ملت بجنگند و آنگاه به پادشاهان و سواران بی ما نشاندند و به خاطر حفظ پایگاه های خود و اطمینان قطعی به پیروزی تفنگ ها و مسلسل ها را به خانه ها بردند، تیرها را شادمانه خالی کردند و در جشن میانه راه انقلاب صدای هزاران تیر در فضا پیچید و هزاران سرباز زده شده از بند، از سربازخانه ها گریختند و به خانه ها پناهنده شدند و اینها همه به هنگام، درست بود و خوب اما حقیقت این است که فردا، با زاین ملت باید سرباز خوب بطلبید، فشنسنگ بخواهد تا این بار، پاسداران حقیقی مرزها را در ارتش ملی خود گرد آورند و اینجاست که دیگر ادامه ی شلیک های هوایی، مردم انقلابی را غمزه می کند.

نظم پاسداران دستاوردهای انقلاب است

گزارش را به هزار زبان ، بیا نمی‌کند ، اما تا اینکه نمی‌ترتیب ، در کنار هم زمان خود ، به نوسازی فرهنگی ، توانند بسیار نوجوانانی با شکره فشنگ های مملکت اجتماعی و اقتصادی کشور قیام کند .
 رابی جهت خالی می‌کنند و وقتی را که باید صرف تولید کنند ، به مصرف بیهوده ی تولیدات آمریکا یسی-
 یعنی همین فشنگ ها - می‌رسانند .

آیا به راستی همه ی نوجوانانی که مرتباً "فشنگ ها را خالی می‌کنند ، به دقت می‌دانند که قیمت هر فشنگ ، برابر نمی‌توانند دست تک تک کودکان را از ماشه های فشنگ ها با ارزش چند ساعت کاریک کارگر بیستوی کوره های آجر - بزی ست؟ آیا می‌دانند و با خالی می‌کنند؟

و از این مهم تر آیا می‌دانند که اگر امروز استین ها را با نوزندوبه تولید هر چه بیشتر مواد غذایی نپردازند ، فردا باید حتی به خاطر گندم و برنج ، به گدایی در خانه ی بیگانگان بروند؟

اگر لحظه یی بیشتر درنگ کنیم ، بیم آن می‌رود که انقلاب به بازی انقلابی تبدیل شود . و باز ، کارخانه های سلحه سازی غرب جشن خواهند گرفت چرا که ما برای نگهبانی میهن به چیزهایی احتیاج داریم که هنوز تولید کننده ی آنها نیستیم . هر ماشین ، هر بنا ، هر تکه کاغذ و هر فشنگ چیزی ست که کارگران ما به خاطر خریدن آنها ، جان کنده اند و رنج کشیده اند و مالیات داده اند .

از این پس ؛ هر سنگی که به سوی شیشه ی پرتاب شود سنگی ست که دست سرما به دار تولید کننده ی شیشه ، آن را پرتاب کرده است یا دستی که از هیچ اندیشه ی فرمانبری داری نمی‌کنند و مغزهای تهی ، فقط محمول فرهنگ استعمار

است و آلت فعل استعمار ، نه چیزی بیشتر .
 امروز ، دهقانان ایرانی ، برای زنده ماندن ، آسمی خوا و دانه و ابزار کار ، شادی کردن بر گردن پادشاهی استبداد که به آنها آب و دانه و ابزار نمی‌دهد ، وقتی را که صرف پای-
 کوبیدن به گردن پادشاهی استبداد می‌کنیم ، صرف آبا کردن

زمین ها کنیم ، صرف نجات دادن دهقانان و صرف خوشبخت درود از جان بر خاسته ی خود را به روان تا منده ی جان باختگان کردن کودکان کارگران و روستائیان .
 یک جوان دلاور انقلابی ، امروز نباید حتی دقیقه یی از وقتش را تباه کند و به بیهوده بگذرانند .
 او باید به روستا برود و جنگ بزرگ را با زمین آغاز کند جنگی به خاطر رویاندن ، بارور ساختن و سایه گستردن جنگی که ایران را به راستی ایران کند نه بیشتر از این-
 ویران ، یا باید مطالعه و جستجوی سریع و دائمی ، یک جهت سیاسی ملی و میهنی را برگزیند و خود را ، تمام نیرو و قدرت تفکر و کارایی خود را در اختیار آن جهت سیاسی بگذارد و بکوشد که هر چه زودتر ، در قلب تشکیلاتی جای بگیرد که "کلا" و جزء " در خدمت ملت است و میهن بوه این

بیرون راندند و به این گفته " جان بخشدند که " دست خداوند همیشه همراه با ملت" است . این دست بود که بگونه ی مثنی سنگین بز پیشانی ستمگر خود کا مهای فرود آمد و او را تا آنسوی باختر پرتاب کرد .

جبهه ملی ایران در این پگاه روشن و امید آفرین آزادی راه انقلابی ایران پیشکش می‌کند و یکبار دیگر ما ننسند هزاران بار گذشته در پیشگاه والای خداوند دادگسر سوگند می‌خوریم که راه خود را که راه انقلاب ، راه مصدق و راه همه ی جان باختگان راه آزادی و استقلال است پی گیر و در این راه از هیچ ایثاری دریغ نوزد .

" نفت برای ما در آمد نیست در واقع برداشتن سرمایه ای است که از قرون گذشته برای ما به ارث مانده است . ما نباید مثل یک میراث خوار این سرمایه را هدر بدهیم "

دکتر کریم سنجابی
 " اکنون در پرتو انقلاب اسلامی ایران ، این فرصت پدید آمده که بنیادیک ارتش نو ملی را بنهیم ، ارتشی که بتواند از ملت حمایت کند و در مقابل دشمنان وطن ایستادگی در یوش فروهر

پیروز باد ملت